

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

رمزگشایی از پشت پرده خطای محاسباتی

مواضع اخیر معاونین دفتر رئیس جمهور در صداوسیما، پرده از چرایی خطای محاسباتی دولت در مواجهه با دشمن آمریکایی-صهیونیستی برداشت. موضعی که علنا ضمن قبول داشتن بدعهدی، تجاوز و قصور دشمن در نقض تعهدات، هنوز هم اصرار بر پایبندی به تفاهم‌نامه‌ای دارد که از نظر دشمن یک تکه کاغذ بی ارزش تلقی می‌شود. اوج مواضع عجیب طباطبایی آنجا بود که او در دفاع از تفاهم‌نامه مدعی شد: «اگر دشمن به تفاهم‌نامه عمل نکند، لزومی ندارد از آن خارج شویم، ضرری ندارد؛ چون طرف مقابل به تفاهم‌نامه پایبند نیست، ما هم بگوییم دیگر پایبند نیستیم؟»

۳



مراجع و روحانیون در دیدار عارف به تنندی از گرانی‌ها و عملکرد دولت
در حوزه بنزین، خودرو و فضای مجازی انتقاد کردند

گلایه‌قم از دولت

۲



آیت الله محمد رضا عابدینی؛
عبور از خونخواهی یعنی تشویق
مجرمین برای تکرار جنایت

۲

کوشکی در گفتگو با نوبنیاد؛

خروج از بن بست
با دفاع تره‌اجمی

۶



توهم فروپاشی با عددسازی اقتصادی

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

صفحه ۴

اقتصادی



دلار ۲۳۲ هزار تومانی حاصل سیگنال‌های میرداماد

جهش قیمت ارز در شرایطی رخ داده که طی هفته‌های اخیر، اظهارات متناقضی درباره وضعیت صادرات نفت و درآمدهای ارزی از سوی دولتمردان دولت چهاردهم مطرح شد که سیگنالی به بازار بود.

صفحه ۶

بین الملل



تصویب قطعنامه ضدایرانی در شورای حکام؛ وقت خروج از NPT رسید؟

شورای حکام آژانس با تصویب قطعنامه پیشنهادی آمریکا و سه کشور اروپایی علیه ایران، بار دیگر نشان داد که این نهاد به جای ایفای نقش یک سازمان فنی، ابزار سیاسی کاخ سفید است.

فارس‌افروز در گزارشی به یک واقعیت اعتراف کرده است که سال‌هاست جمهوری اسلامی ایران در میدان عمل آن را به واشنگتن فهمانده است. ایران با تحریم و فشار اقتصادی خفه‌شدنی نیست. این اعتراف زمانی مهم ترمی شود که بدانیم آمریکایی‌ها سال‌های گذشته بارها از فشار حداکثری، تحریم فلج‌کننده و حالا حمله اقتصادی سخن گفته، اما هر بار پس از مدتی، به جای فروپاشی ایران، با کشوری مواجه شده که سازوکارهای جدیدی برای دور زدن فشارها پیدا کرده است.

متن کامل در صفحه ۶

مراجع و روحانیون در دیدار عارف به تندی از گرانی‌ها و عملکرد دولت در حوزه بنزین، خودرو و فضای مجازی انتقاد کردند

اعتراض کم‌سابقه قم به دولت

مردم، روحانیت معزز و مراجع عظام تقلید که همواره ملجا و پناه مردم بوده‌اند، انتقادات صریحی را از دولت و عملکرد آن بیان کردند. این انتقادات که چند ماه قبل در جریان سفر پزشک‌های قم مطرح شده بود، در دیدار اخیر عارف معاون اول پزشکیان با مراجع و اعضای جامعه روحانیت مبارز نیز ظهور و بروز داشت.

سومدیریت آشکار دولت در حوزه اقتصادی و فشارهای روزافزون معیشتی به مردم در موضوعات مختلف اعم از مسکن، خودرو، تورم کالاهای اساسی و خوراک، انتقاد به رئیس دولت و تیم اقتصادی او را بشدت افزایش داده است. در این میان و در شرایط تعطیلی صحن مجلس و عدم امکان مطالبه از دولت توسط نمایندگان



برنامه‌ریزی برای بهبود صنعت خودرو می‌شود و دولت‌ها اعلام می‌کنند که می‌خواهند تصمیم جدی در این خصوص بگیرند، در عمل مشاهده می‌کنیم که اوضاع به گونه دیگری رقم می‌خورد و هر چند وقت یکبار در عین حال که در کیفیت خودرو تغییری ایجاد نمی‌شود با گرانی خودرو مواجه می‌شویم؟!

در ادامه این دیدار آیت‌الله‌های عین‌الدینی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با اشاره به نامه رسمی خود در خصوص تشکیل ستاد راهبری فضای مجازی، رعایت ساختارهای قانونی در این عرصه را از دولت خواستار شد.

آیت‌الله‌محمد رجبی رئیس موسسه امام خمینی (ره) و عضو مجلس خبرگان نیز با یادآوری سخن رهبر شهید انقلاب مبنی بر اینکه فضای مجازی قتلگاه جوانان است، ابراز داشت: فضای مجازی در بسیاری از کشورها محدودیت‌هایی دارد و شرکت‌های خارجی باید پاسخگو باشند. وی ادامه داد: بارها بودن فضای مجازی، فعالیت‌های فرهنگی دیگر نیز خنثی می‌شود، بنابراین باید فضای مجازی مدیریت شود، چرا که بیشترین فساد از همین ناحیه است.

اقلام معیشتی، مردم را مضطرب و نگران می‌کند و این تلاطم‌ها در جان جامعه ناراحتی ایجاد می‌کند.

جامعه مدرسین: گرانی‌ها افسار گسیخته است

در ادامه دیدارهای عارف با مراجع و روحانیت در قم، او با اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دیدار کرد. آیت‌الله‌سینا بوشهری رئیس جامعه مدرسین در این دیدار با اشاره به تورم و گرانی افسارگسیخته بیان داشت: از دولت می‌خواهیم تا آنجا که امکان دارد نسبت به مسئله گرانی و تورم تدبیری اندیشیده شود و باری از دوش مردم برداشته شود و بار جدیدی نیز بر دوش مردم گذاشته نشود. وی همچنین راجع به مسئله بنزین اظهار داشت: امیدواریم تمهیدات دولت به گونه‌ای باشد که از مشکلات بعدی که دشمن نیز بر آنها خواهد افزود جلوگیری شود.

وی تصریح کرد: باید به دنبال راه‌حل‌هایی باشیم که مصرف بنزین را کاهش دهد، مانند تولید خودروهای کم مصرف، اما در عین ناباوری خودروسازان در بحبوحه گران شدن بنزین، خودرو را گران می‌کنند. چرا هر موقع صحبت از

امیرحسین درکی
روزنامه‌نگار

آیت‌الله‌کارم شیرازی در دیدار معاون اول ریاست جمهوری با اشاره به برخی مشکلات موجود در کشور، یکی از مهم‌ترین مسائل را کنترل قیمت‌ها دانست و افزود: قیمت‌ها در بسیاری از موارد روزبه‌روز افزایش پیدا می‌کند و امیدواریم دولت بتواند قیمت‌ها را کنترل کند. وی در ادامه با اشاره به مشکلات حوزه مسکن اظهار کرد: بخشی از مسائل مسکن زیر نظر دولت و بخشی نیز مربوط به مردم و مالکان است، اما در مواردی که دولت مسئولیت دارد، باید مشکل را به گونه‌ای جبران کند.

آیت‌الله‌کارم در پایان با اشاره به شرایط کشور و وضعیت جنگی، از همراهی و آرامش مردم قدردانی کرد و افزود: دولت باید از مردم تشکر کند که در این شرایط کاری نمی‌کنند که دشمن خوشحال شود.

آیت‌الله‌گرمی جهرمی نیز در دیدار عارف با اشاره به تأثیر تغییرات اقتصادی بر آرامش جامعه گفت: تغییرات و افزایش ناگهانی قیمت‌ها، مانند بنزین یا سایر

یادداشت

قدرت بازدارندگی ایران؛ کابوسی ابدی متجاوزان

روح الله نجابت
نماینده مجلس شورای اسلامی

عملیات‌های غرورآفرین اخیر نیروهای مسلح، بار دیگر پوشالی بودن ادعاهای دشمن را به رخ کشید و هیمنه آن‌ها را در هم شکست. دشمن در ابتدای جنگ ۴۰ روزه، با خیال خام خود هدف‌گذاری کرده بود که «صنعت موشکی ایران را به‌طور کامل تخریب کند»؛ اما امروز شاهدیم که دلاوران جان‌برکف ایران در هر عملیات، نه تنها با حجم انبوهی از موشک‌ها، بلکه با الگوهای شلیک پیچیده‌تر و از نقاطی غیرقابل پیش‌بینی‌تر، پاسخی کوبنده به دشمن می‌دهند. این پیام قاطع ایران، به وضوح در گوش ناوشکن‌های آمریکایی طنین‌انداز شده است. از سوی دیگر، دشمن مدعی «محو کردن نیروی دریایی ایران» بود؛ اما قهرمانان غیور این مرز و بوم، نه تنها این خیال واهی را برای همیشه به خاک سپردند، بلکه روزبه‌روز بر اقتدار بالامنار خود افزوده‌اند. تست موفقیت‌آمیز موشک‌های ساحل به دریا بر روی ناوگان دشمن و به غنیمت گرفتن پیشرفته‌ترین شناورهای متخاصم، سندی زنده بر این حقیقت است که نیروی دریایی ایران، نه تنها کاملاً عملیاتی است، بلکه قدرتمندتر از همیشه بر آب‌های نیلگون خلیج فارس تسلط کامل دارد. واقعیت روشن است: قدرت بازدارندگی ایران، به کابوسی ابدی برای متجاوزان تبدیل شده است.

خبر کوتاه

خلجی: منتظر پالس مذاکره باشید!

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم در واکنش به رسیدن قیمت نفت به ۱۰۰ دلار نوشت: در پی پاسخ قاطع ایران به شرارت‌های آمریکا نفت در آستانه ورود به کانال ۱۰۰ دلار است. براساس تجربه باید آماده بود که سروکله میانجی‌های قاطری و پاکستانی پیدا بشه و یا همکاران آنها در داخل شروع کنن به پالس مذاکره تا صعود قیمت نفت متوقف بشه! منتظریم چراغ اول سیگنال مذاکره را در داخل کی روشن می‌کنه!

بهادری جهرمی: تنگه هرمز کلید حفاظت از منافع ملی ایران است

سخنگوی دولت سیزدهم در حساب کاربری خود با تأکید بر لزوم اقدام تحریم در برابر تحریم‌های ظالمانه علیه مردم ایران نوشت: با توافق یا بدون توافق باید کشورهایی که در اعمال تحریم‌های ظالمانه علیه مردم ایران همسو با آمریکا نقش بازی می‌کنند مشمول تحریم ورود به تنگه هرمز شوند. تنگه هرمز کلید حفاظت از منافع ملی ایران است.

روانبخش از پاسخ عراقی درباره مذاکرات قانع نشد

روز گذشته نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی، در جلسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس از دکتر سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه، درباره علل مخفی کاری در مذاکرات سؤال کرد. در این جلسه، وزیر امور خارجه با حضور در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس به پرسش‌های نماینده مردم قم پاسخ داد و توضیحاتی درباره روند و نحوه انجام مذاکرات ارائه کرد. با این حال، حجت‌الاسلام والمسلمین روانبخش از پاسخ‌های وزیر امور خارجه قانع نشد و با توجه به عدم افناع وی، سؤال از عراقچی برای بررسی و رسیدگی در صحن علنی مجلس شورای اسلامی مطرح و به صحن ارجاع شد. قرار است این موضوع در صحن مجلس مورد بررسی قرار گیرد و وزیر امور خارجه نیز در برابر نمایندگان درباره محورهای مطرح شده پاسخ‌گو باشد.

حوزه

عبور از خونخواهی یعنی تشویق مجرمین برای تکرار جنایت

آیت الله عابدینی در برنامه تلویزیونی «انتقام» طی سخنانی درباره گذشت و قصاص مجرمان اظهار داشت: «درباره این نگاهی که بعضی دارند مطرح می‌کنند که گذشت و مهربانی باید در پیش گرفت باید توجه داشت که ما یک اشداء علی کفار داریم و یک رحما بینهم». وی با بیان اینکه رحما و بینهم در جمع ایمانی است، اظهار داشت: اگر گذشت در جامعه ایمانی بین مومنان سبب تجری مجرمین نشود که بگویند پس می‌گذردن دیگر... یعنی جرات ندهد به مجرمین برای تکرار جنایتشان، اگر این نباشد عفو اولی است.

وی افزود: «عفو، زمانی ارزشمند است که امنیت جامعه را قربانی نکند، و شدت، زمانی مشروع است که از عدالت عبور نکند. رحمت برای مؤمنان؛ شدت در برابر دشمن!». آیت الله عابدینی تصریح داشت که در برابر کفار حربی که در حال مقابله و جنگ‌اند، اصل بر «أشداء علی الکفار» است. آیت الله عابدینی همچنین در بخشی دیگر از سخنان خود به ادبیات خونخواهی و انتقام اشاره کرد و اظهار داشت: خونخواهی یک مکتب و یک هدف متعالی ست؛ سبک برخورد با طاغوتی ست که می‌خواهد شیعه را از میان بردارد.



✓ سلیمی: مجلس بیش از اندازه با دولت همکاری داشته است



روز گذشته علیرضا سلیمی عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی طی گفتگویی با خبرگزاری دانشجو درباره مساعدت و همکاری قوه مقننه با دولت

چهاردهم اظهار داشت: مجلس با دولت همکاری فوق العاده و بیش از اندازه‌ای تاکنون داشته است. وی افزود: دولت از این همکاری مجلس دهانش شیرین شده و تصور می‌کند که مجلس دائم قرار است در دهان دولت آبنبات بگذارد! عضو هیات رئیسه مجلس در بخشی دیگر از اظهارات خود درباره صلح با آمریکا اظهار داشت: «وقتی ترامپ می‌گوید تنگه هرمز مال من است، از چه صلحی سخن می‌گوییم؟» سلیمی با کنایه به موافقان تفاهم‌نامه گفت: «منظور آمریکایی‌ها از صلح این

است که وقتی دارند سرمایه‌های ما حتی دست‌وپا هم نزنیم؛ یعنی گوسفند خوبی باشیم که حتی وقتی می‌خواهند سرمان را ببرند، اعتراضی نکنیم.» وی با بیان اینکه «دوستی با آمریکا مثل گوسفندی است که بگوید می‌خواهم با گرگ صلح شرافتمندانه کنم» تصریح کرد: «می‌گویند با آمریکا دوست باشیم و دست بدهیم؛ اما سؤال این است که آمریکا چه رفتاری با ما داشته است؟ اگر منظور از صلح شرافتمندانه این است که هرچه آمریکا می‌خواهد به او بدهیم، این شرافتمندانه نیست. تصور اینکه آمریکا از شرارت و فشار علیه ملت‌ها دست برمی‌دارد، تصوری اشتباه است.»

به بهانه گفتگوی معاون دفتر پزشکیان با رسانه ملی؛

رمزگشایی از پشت پرده خطای محاسباتی

مواضع اخیر معاونین دفتر رئیس جمهور در صداوسیما، پرده از چرایی خطای محاسباتی دولت در مواجهه با دشمن آمریکایی صهیونیستی برداشت. مواضعی که علناً ضمن قبول داشتن بدعهدی، تجاوز و قصور دشمن در نقض تعهدات، هنوز هم اصرار بر پایبندی به تفاهم‌نامه‌ای دارد که از نظر دشمن یک تکه کاغذ بی ارزش تلقی می‌شود.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

اسلام‌آباد اظهار داشت: «چرا گفتید تیم مذاکره کننده به زور بخ نرو؟!» طباطبایی در بخشی دیگر از این برنامه در دفاع از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد اظهار داشت: «عقول کشور در شام جمع شدند و از ۱۳ نفر، ۱۲ نفر توافق کردند که به تفاهم برسیم، چرا وحدت را برهم نزنید» که البته با پاسخ مجری برنامه مواجه شد که آن یک نفر هم جزو عقول کشور است و همچنین

یک عقل بزرگتری هم در کشور هست که فرمود: «علی‌الاصول نظر دیگری داشتم». نکته دیگر جالب توجه از اظهارات معاون اطلاع‌رسانی رئیس جمهور سخنان اغراق آمیز او درباره عملکرد پزشکیان بود. وی در اینباره اظهار داشت: «خداوکیلی نمیشود منصف بود و از عملکرد پزشکیان دفاع نکرد! او رئیس جمهور تراز جمهوری اسلامی ایران است» البته او ج مواضع عجیب طباطبایی آنجا بود که او در دفاع از تفاهم‌نامه مدعی شد: «اگر دشمن به تفاهم‌نامه عمل نکند، لزومی ندارد از آن خارج شویم، ضرری ندارد؛ چون طرف مقابل به تفاهم‌نامه پایبند نیست، ما هم بگوییم دیگر پایبند نیستیم؟»

حسن خوب دولتی‌ها از امضای ترامپ

البته پیش از نیز عباس موسوی معاون تشریفات و سرپرست معاونت سیاسی دفتر پزشکیان طی سخنانی عجیب درباره افتخار آمیز بودن تفاهم‌نامه گفته بود: «همین که دشمن شرط ما را در تفاهم‌نامه پذیرفت و رئیس جمهور آمریکا آن را امضا



کرده، ولو اینکه این تفاهم‌نامه نامه توسط آنها نقض شده، حس خوبی به انسان دست میدهد» البته قابل ذکر است که با توجه به این گونه مواضع، اظهارات و سطح فکر کارشناسان اطراف رئیس جمهور، بدیهی است که او هم نیز دچار خطای محاسباتی شده و این نشان دهنده وضعیت خطرناک و ملتهب دستگاه فکری دولت چهاردهم در مواجهه با موضوعات و مسائل مهم کشور است.

حلقه اطرافیان پزشکیان؛ بدترین میانگین فهم

میثم ظهوریان، نماینده مردم مشهد در واکنش به اظهارات معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر پزشکیان اظهار داشت: در دولت چهاردهم افراد توانمندی هم وجود دارند؛ اما میانه فهم کارگزاران آن در سطح همین آقای معاون رئیس جمهور است. باز در بین تمام اجزای دولت بدترین میانگین فهم در حلقه حول شخص آقای رئیس جمهور و دفتر ایشان جمع شده‌اند که همین مسئله کنش‌های مسئله‌ساز ایشان را افزایش تصاعدی داده است.

یادداشت

خودزنی روایت رسمی!

آزاده محمودیان
پژوهشگر فرهنگ و رسانه

ابتدای سال ۱۳۹۷، آن زمانی که هنوز شورای عالی فضای مجازی به پوسته‌ای بی اثر تبدیل نشده بود، مصوبه‌ای به تصمیم این شورا، با عنوان «ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی» به دستگاه‌های دولتی ابلاغ شد، که براساس آن نهاد‌های دولتی موظف بودند برای اطلاع‌رسانی از پیام‌رسان‌های بومی استفاده کنند. این طرح خردمندانه اگرچه به درستی و با پیوست‌های ضروری‌اش، اجرا نشد، با این حال، رونقی به پیام‌رسان‌های داخلی داد، و تا حدی موجب شد مرجعیت اطلاعات به درون بازگردد؛ و مهم‌تر آنکه امکان نفوذ و مدیریت روایت‌پردازی از سوی دیگری‌های هویتی‌ما را در فعالیت‌های اطلاع‌رسانی رسمی کاهش داد. اکنون، با تصمیم دولت چهاردهم و در راستای بی‌اعتباری حکمرانی سایبری در کشور، این مصوبه لغو شده است. یعنی نهاد‌های دولتی امروز از ابزاری که مالکیت و مدیریت آن در دست دشمنان مقرر دارد، برای اطلاع‌رسانی به مردم استفاده خواهند کرد. این یادداشت گریزی به زوایای این تصمیم دولت است:

۱. یادتان هست، توئیتر (ایکس) تیک‌آبی صفحات مسئولین رسمی ایران را حذف می‌کرد؟ یعنی این فرصت را ایجاد می‌کرد تا مثلاً سازمان منافقین یا موساد یا... به نام آن کارگزار رسمی ما، صفحه‌ای ساخته و سخن‌پراکنی کند. مسئله فقط جعل یک صفحه نبود؛ مسئله، جعل منبع پیام و ضربه‌زدن به مرجعیت روایت رسمی بود؛ یعنی مخاطب دیگر نداند کدام صدا، صدای واقعی مسئول و کدام صدا، صدای جعل‌شده دشمن است.

۲. در وسط نبرد شناختی، وقتی یک کج‌روایت به سوی ذهن مخاطبان شلیک بشود، تلفات خود را خواهد گرفت. این کوتاه‌فکری است که تصور بشود بعد از این شلیک، می‌توان با توضیح، این تلفات را جبران کرد. در روایت‌پردازی، ذهن مخاطب فقط با «اطلاع درست» کار نمی‌کند؛ زمان مواجهه، قاب‌بندی خبر، تکرار پیام و اعتبار منبع، در شکل‌گیری برداشت و نقش دارند. وقتی روایت نادرست زودتر و پر قدرت‌تر به ذهن نشست، اصلاح آن به این سادگی نیست.

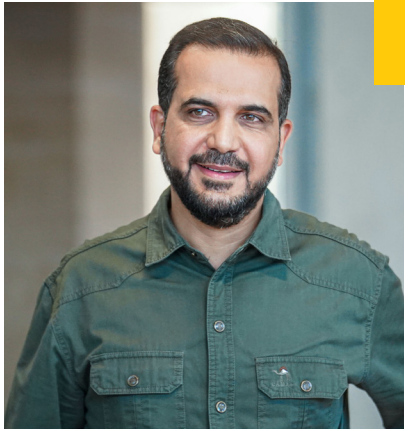
۳. کوتاه‌فکری بزرگ‌تر آنکه تصور بشود، صاحبان این سکوها، به حریم خصوصی کاربران خود، به‌ویژه کاربران ایرانی احترام خواهند گذاشت. تجربه مکرر ما تأیید می‌کند که پلتفرم‌های آمریکایی صهیونی، از اساس برای چنین خدماتی به صاحبان خود خلق شده‌اند. پلتفرم فقط یک محل انتشار پیام نیست؛ صاحب پلتفرم، بر داده، الگوریتم، توزیع و میزان دیده‌شدن پیام‌ها نیز قدرت دارد. بنابراین، اعتماد به آن، صرفاً اعتماد به یک ابزار ارتباطی نیست؛ اعتماد به صاحب زیرساخت ارتباطی است.

۴. اینکه مراکزهای اصلی و رسمی اطلاع‌رسانی کشور، از این پیام‌رسان‌ها استفاده کنند، یعنی دشمنی که با مادر حال جنگ نظامی است، بتواند هر زمان، به هر شیوه‌ای که خواست، هر گزاره‌ای که منافع او را تأمین می‌کند، به خورد اذهان عمومی ایرانیان بدهد و آنان را آشفته یا ناامید یا تحریک کند. یعنی دروازه‌بانی بخشی از ارتباط رسمی کشور با افکار عمومی، عملاً در بستری انجام شود که قواعد دیده‌شدن، حذف‌شدن و برجسته‌شدن پیام را دیگری تعیین می‌کند؛ و این یعنی واگذاری بخشی از میدان روایت، پیش از آنکه حتی جنگ روایت‌ها آغاز شود.

۵. در عصر دیجیتال که میدان جنگ، دیگر فقط محتوای پیام نیست؛ بلکه زیرساخت انتقال پیام است، به واقع کدام عقل سالم و مسئول خردمندی چنین بستری را برای فاجعه فراهم می‌کند؟!

۶. همان مسئولانی که به «دلیل؟ تجربه» باور نداشتند و ندارند؛ و چوب این بی‌باوری را به سخت‌ترین نحو ممکن، بر تن ایرانیان نواخته‌اند.

گرانی؛ نتیجه اختصاص ۳۰ میلیارد دلار ارز به خودرو



عضو کمیسیون عمران مجلس در یک برنامه تلویزیونی، با انتقاد شدید از سیاست‌های کنونی تعرفه واردات خودرو و نحوه مدیریت منابع ارزی در این صنعت، نسبت به پیامدهای منفی یکسان‌سازی تعرفه‌ها هشدار داد. مجتبی یوسفی با اشاره به اختصاص ۳۰ میلیارد دلار ارز به حوزه خودرو طی پنج سال گذشته گفت: این حمایت‌های کلان، نه تنها مشکلات اساسی این بخش را برطرف نکرده، بلکه منجر به ورود خودروهایی با قیمت بالاتر، کیفیت پایین‌تر و مصرف سوخت بیشتر به بازار شده است؛ از این رو، خواستار ورود جدی دستگاه‌های نظارتی و قوه قضاییه برای بررسی شفاف نحوه عملکرد شرکت‌های دریافت‌کننده ارز هستیم. او ادامه داد: در حال حاضر تعرفه واردات یک خودروی لوکس مانند لندکروزر با موتور ۳۵۰۰ سی‌سی حدود ۱۴۰ درصد است؛ البته درباره همین میزان

تعرفه نیز حرف داریم و معتقدیم این تعرفه بالا است. این نماینده مجلس افزود: در مقابل، تعرفه واردات خودروهای هیبریدی و اقتصادی نظیر تویوتا کرولا و النترا حدود ۱۵ درصد و تعرفه خودروهای برقی حدود ۴ درصد است؛ اما با یکسان‌سازی تعرفه‌ها، تمامی این خودروها مشمول تعرفه ۱۰۰ درصدی خواهند شد. یوسفی هشدار داد: نباید خودروهای اقتصادی، مانند کرولای ۲۰ هزار دلاری که پس از بررسی کمیته ارزش‌گذاری به ۱۴ هزار دلار کاهش یافته است، با افزایش مجدد تعرفه گران‌تر شوند. عضو کمیسیون عمران مجلس بیان کرد: این روند باعث می‌شود خودروسازان داخلی و مونتاژکاران نیز به این بهانه قیمت محصولات خود را افزایش دهند که در نهایت منجر به گرانی بی‌دلیل خودروهای عمومی و پرمصرف مردم مانند پراید و پژو پارس و حتی با لافتن هزینه

نگهداری و قطعات آن‌ها (مانند یک حلقه لاستیک با قیمت ۱۰ میلیون تومان) خواهد شد. یوسفی با انتقاد از بهبود نیافتن وضعیت صنعت با وجود تزریق منابع مالی، یادآور شد: طی پنج سال گذشته حدود ۳۰ میلیارد دلار به صنعت خودرو اختصاص یافته، اما همچنان مشکلات اساسی این بخش پابرجا است. وی اعلام کرد: حدود ۱۱۰ هزار کامیون فرسوده در کشور وجود دارد که نیازمند نوسازی هستند و مصرف روزانه آن‌ها به ۶۶ میلیون لیتر گازوئیل می‌رسد. در حالی که قیمت یک کامیون با کیفیت پایین ۲۰ تا ۲۵ میلیارد تومان و یک اتوبوس ۳۵ تا ۴۰ میلیارد تومان است؛ بنابراین نمی‌توان از یک طرف ناوگان فرسوده را به حال خود رها کرد و از سوی دیگر، تنها با افزایش قیمت گازوئیل و بنزین به دنبال مدیریت مصرف سوخت بود.

نوبنیاد رکوردشکنی بی‌سابقه در بازار ارز و طلا را بررسی کرد؛

دلار ۲۳۲ هزار تومانی حاصل سیگنال‌های میرداماد

بازار ارز و طلا بار دیگر وارد محدوده‌های تاریخی شده است. قیمت دلار در بازار آزاد غیررسمی دیروز به حدود ۲۳۲ هزار تومان و هر گرم طلای ۱۸ عیار به حدود ۲۴ میلیون و ۱۶۷ هزار تومان رسید. سکه تمام طرح جدید نیز در محدوده ۲۴۰ میلیون تومان معامله شد. این جهش در شرایطی رخ داده که طی هفته‌های اخیر، اظهارات متناقضی درباره وضعیت صادرات نفت و درآمدهای ارزی از سوی دولتمردان دولت چهاردهم مطرح شد که سیگنالی به بازار بود.

زیرسوال بردند. محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت، ۱۲ شهریور ۱۴۰۵ با رد قاطعانه ادعای صفر شدن درآمدهای نفتی، در واکنش به این فضا سازی‌ها اعلام کرد: «ادعای صفر شدن صادرات نفت خام ایران خیال خام است؛ صادرات نفت خام کشور حتی در سخت‌ترین شرایط نبرد اقتصادی و جنگ یک ساعت هم متوقف نشده و مسیرهای فروش با قوت دنبال می‌شود.» همزمان با تکذیب صریح وزیر نفت، حتی مهدی دارابی، دستیار رئیس‌کل بانک مرکزی در امور ارزی ۱۴ شهریور ۱۴۰۵ برای جمع کردن تبعات ادعای رئیس خود وارد میدان شد و در موضعی کاملاً متناقض با اظهارات ۲۸ مرداد همتی تصریح کرد: «محدود شدن صادرات نفت هرگز به معنای متوقف شدن فروش نفت نیست؛ پول نفت همچنان به کشور می‌رسد و ارزهای وصولی به طور منظم در اختیار بانک مرکزی قرار می‌گیرد.» خبرگزاری فارس نیز ۱۵ شهریور ۱۴۰۵ نوشت: «میلیاردها دلار از منابع ارزی حاصل از فروش نفت در روزهای اخیر وارد حساب‌های در دسترس بانک مرکزی شده است.» این زنجیره از حقایق و تناقض گویی‌های یک سوال اساسی پیش روی ملت مبعوث شده ایران قرار می‌دهد؛ اگر ارزهای نفتی به خزانه سرازیر بوده و میلیاردها دلار وارد شده است، آقاای همتی و رئیس دولت با چه توجیهی بر طبل «صفر شدن صادرات نفت» و «نداشتن ارز» کوبیدند و دلار را از ۱۸۷ هزار تومان به ۲۳۲ هزار تومان پرواز دادند؟

جهش انتظارات تورمی

بانک مرکزی پس از گرفتار شدن در باتلاق گرانی‌های خود ساخت، از دو هفته پیش سیاست تزریق سنگین ارز اسکناس به بازار را کلید زد تا تقاضا را پاسخ دهد. اما رفتار بازار نشان داد که ارزیابی در سایه تخریب اعتماد عمومی، دقیقاً مانند ریختن آب در هاون است. علی‌رغم این تزریق‌ها، دلار از ابتدای هفته از ۲۳۳ هزار تومان عبور کرده و دیروز رکورد جدیدی را لمس کرده است؛ موضوعی که ناکارآمدی سیاست‌های انفعالی بانک مرکزی را اثبات می‌کند. تبعات ماندگاری دلار ۲۳۲ هزار تومانی، مساله‌ای نیست که در تابلوی صرافی‌ها متوقف بماند، بلکه امواج ویرانگر آن مستقیماً سفره کارگران، معلمان، بازنشستگان و اقشار ضعیف جامعه را هدف قرار خواهد داد. با گران‌تر شدن ارز، انتظارات تورمی اوج می‌گیرد و موج تازه‌ای از گرانی به مردم تحمیل می‌شود.

و ۱۶۷ هزار تومان رسیده است. این در حالی است که قیمت جهانی طلا نزولی بوده و هر اونس طلا با روندی کاهشی روی رقم ۴۳۹۴ دلار ایستاده یعنی جهش خیره‌کننده قیمت طلا و سکه در بازار داخلی صرفاً محصول صعود نرخ دلار و سقوط ارزش ریال بوده است.

افزایش ۲۴ درصد نرخ دلار در ۲۱ روز

جهش قیمت طلا و سکه علت اقتصادی ندارد اما باید آن را در سخنان مسعود پزشکیان، رئیس دولت چهاردهم و عبدالناصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی پیدا کرد. در شرایطی که کشور در خط مقدم نبرد اقتصادی قرار دارد و هر سخن نسنجیده‌ای به مثابه دادن گرای ضعف به اتاق‌های فکر تحریم است، انتشار پیام‌های نامیدکننده از درون دولت شوک سنگینی به بازار وارد کرد. عبدالناصر همتی در ۲۸ مرداد ۱۴۰۵ در گفت‌وگوی ویژه خبری تلویزیون با طرح ادعایی شوکه‌کننده گفت: «درآمد ما از فروش نفت صفر شده است؛ این یک واقعیت است که ما نفت صادر نمی‌کنیم و به ذخایرمان دسترسی نداریم.»

بازار ارز که تا پیش از این اظهارات در کانال ۱۸۷ هزار تومان بود، بلافاصله پس از مخابره این پالسن منفی و سیگنال استیصال از زبان ارشدترین تصمیم‌گیر پولی و اجرایی کشور، دچار تنش شدیدی شد. دلالت و سوداگران که سال‌ها به دنبال بهانه‌ای برای بالا بردن نرخ‌ها بودند، پیام آشکاری از ناتوانی دولت دریافت کردند؛ پیامی که به تعبیر کارشناسان دلسوز اقتصادی، یک «خودزنی آشکار رسانه‌ای» بود و انتظارات تورمی جامعه را به بالاترین سطح ممکن سوق داد. پس از آنکه تبعات این سخنان در قالب پرواز دلار از ۱۸۷ هزار تومان به بالای ۲۰۰ هزار تومان نمایان شد، همتی کوشید با تغییر لحن و گفتار درمانی، فضا را آرام کنند. رئیس‌کل بانک مرکزی ۱۰ شهریور ۱۴۰۵، در چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای ادعاهای قبلی خود را پس گرفت و اظهار داشت: «ذخایر ارزی کشور در وضعیت کاملاً مطلوبی قرار دارد، در زمینه تأمین ارز کالاهای اساسی و مواد اولیه هیچ کمبودی نداریم و ارز به اندازه کافی در کشور موجود است و تأمین می‌شود.» با این حال، فعالان بازار که شوک اولیه را دریافت کرده بودند، دیگر اعتنایی به این مواضع دیرینه‌گرد و ضد و نقیض نکردند. دامنه تناقضات در تیم اقتصادی دولت زمانی عریان‌تر شد که وزرا و بدنه تخصصی دولت نیز موضع اولیه رئیس‌کل بانک مرکزی را صراحتاً



نیمای سهیلی روزنامه نگار

بازار ارز و طلا طی هفته‌های بار دیگر در سایه سوء مدیریت مغرط، شتاب‌زدگی و پالس‌های منفی برخاسته از ارکان اجرایی و پولی دولت چهاردهم، وارد فازی ملتبه، کم‌سابقه و بحرانی شده است. در شرایطی که فعالان اقتصادی و آحاد مردم انتظار داشتند دولت با بهره‌گیری از عقلانیت مدیریتی، انضباط کلامی و تکیه بر ظرفیت‌های منطقه‌ای و منابع استراتژیک مانع از افزایش انتظارات تورمی شود، اظهارات نسنجیده و پیام‌های متناقض مسئولان پاستور و میرداماد، بازار آزاد ارز را در یک سراسیمگی صعودی سهمگین قرار داده است. روندی فرسایشی که نتیجه آن نه تنها تضعیف روزافزون ارزش پول ملی، بلکه وارد آمدن فشار مضاعف بر دوش قشر ضعیف، کارگر و حقوق‌گیر جامعه است. بررسی‌ها نشان می‌دهد ترمز قیمت‌ها در بازار ارز و طلا به‌طور کامل بریده است. بر قیمت هر دلار آمریکا دیروز در بازار غیررسمی به محدوده تاریخی و بی‌سابقه ۲۳۲ هزار تومان رسیده است.

این در شرایطی است که در نخستین روزهای همین هفته، دلار در کانال ۲۳۳ هزار تومان بود و رشد ناگهانی آن طی چند روز، از هیجانی مدیریت نشده در اقتصاد حکایت دارد. آغاز این موج انفجاری از محدوده ۱۸۷ هزار تومان و از ۲۸ مرداد ماه کلید خورد و طی مدت کوتاهی با رشد ۲۴۰۶ درصدی، سقف‌های تاریخی جدیدی را ثبت کرد. در همین اثنا، در بازار رسمی (مرکز مبادله ارز و طلای ایران) هر دلار به ۱۶۲ هزار و ۴۰۰ تومان رسید. طوفان ارزی اخیر به سرعت به بازار طلا نیز سرایت کرده و ارقامی سرسام‌آور را روی تابلوی صرافی‌ها و طلا فروشی‌ها ثبت کرده است. بهای سکه تمام بهار آزادی طرح جدید ۲۴۰ میلیون تومان را لمس کرد. نیم‌سکه ۱۲۲ میلیون تومان و ربع سکه ۶۵ میلیون تومان فروخته شد. هر گرم طلای ۱۸ عیار به ۲۴ میلیون

تالار شیشه‌ای

تداوم صعود شاخص بورس در سایه افزایش فروش‌ها

معاملات بازار سهام دیروز (چهارشنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۵) در حالی آغاز شد که نسبت به روزهای گذشته فشار عرضه افزایش پیدا کرد. با وجود بیشتر شدن فروش‌ها و شناسایی بخشی از سود معامله‌گران پس از رشد پرشتاب روزهای اخیر، تقاضا همچنان قدرت کافی برای حفظ روند صعودی بازار داشت. در آغاز معاملات، ۴۱ درصد از نمادها در محدوده منفی قرار داشتند اما در پایان دادوستدها

۶۲ درصد از نمادها سبزپوش شدند و بازار توانست مسیر صعودی خود را تا پایان معاملات حفظ کند. ارزش معاملات بازار خرد سهام و صندوق‌های سهامی به ۴۸ هزار و ۵۲۲ میلیارد تومان رسید؛ رقمی که در مقایسه با ارزش حدود ۴۵ هزار میلیارد تومانی معاملات خرد روز سه‌شنبه افزایش نشان می‌دهد. مجموع ارزش معاملات بازارهای بورس و فرابورس نیز در محدوده ۱۳۴ هزار میلیارد تومان قرار گرفت و ارزش کل بازارهای سهام ایران به حدود ۲۴ هزار و ۲۷۳ هزار میلیارد تومان رسید. با این حال، برخلاف روزهای گذشته، جریان پول حقیقی دیروز منفی بود و خروج ۹۳۵ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار به ثبت رسید.

شاخص کل بورس تهران با رشد ۴۷ هزار و ۳۲۷ واحدی (۰.۶۷ درصد) در ارتفاع ۷ میلیون و ۱۲۲ هزار و ۲۷۲ واحد ایستاد. شاخص کل که روز سه‌شنبه برای نخستین بار از مرز ۷ میلیون واحد عبور کرده بود، دیروز ضمن حفظ این کانال، سقف جدیدی را نیز ثبت کرد. شاخص هم‌وزن با رشد ۵ هزار و ۶۷۶ واحد (۰.۲۹ درصد) در سطح یک میلیون و ۹۴۲ هزار و ۳۱۹ واحد قرار گرفت. شاخص کل فرابورس نیز با رشد ۵۵۸ واحدی (۰.۱۰۲ درصد) به ۵۵ هزار و ۲۲۰ واحد رسید. طی هفته منتهی به ۱۸ شهریور، شاخص ۳۸ صنعت از مجموع ۴۱ صنعت بازار صعودی شد و میانگین رشد شاخص صنایع به ۸.۳ درصد رسید و تنها سه شاخص صنعتی کاهش هفتگی داشتند.

معاملات دیروز را می‌توان روز تداوم روند صعودی بازار سهام در مقابل افزایش عرضه‌ها دانست. رشد ۰.۶۷ درصدی شاخص کل و حفظ کانال ۷.۱ میلیون واحدی نشان داد که تقاضا همچنان در بازار حضور دارد، اما افزایش عرضه و خروج ۹۳۵ میلیارد تومانی پول حقیقی بیانگر آن است که پس از رشد سریع روزهای اخیر، بخشی از معامله‌گران به شناسایی سود روی آورده‌اند. بنابراین، مهم‌ترین ویژگی دیروز کاهش سرعت رشد در کنار حفظ سطوح بالای شاخص‌ها بود؛ شرایطی که می‌تواند نشانه ورود بازار به مرحله‌ای متعادل‌تر و انتخابی‌تر در ادامه مسیر باشد.

نوبنیاد گزارش می‌دهد؛

ترامپ باج خواست، کانادا ایستاد

جنگ تجاری میان آمریکا و کانادا وارد مرحله‌ای تازه شده است؛ مرحله‌ای که در آن اتاوا برخلاف انتظار واشنگتن، حاضر نیست برای کاهش فشارهای اقتصادی، به خواسته‌های دونالد ترامپ تن دهد. پس از شکست مذاکرات دو کشور در اواخر مرداد، آمریکا تعرفه‌های سنگینی بر

بخشی از کالاهای کانادایی اعمال کرد و کانادا نیز از سه‌شنبه ۱۷ شهریور، با وضع تعرفه‌های تلافی‌جویانه به این اقدام پاسخ داد. با این حال، کانادا به‌جای عقب‌نشینی، از لزوم کاهش وابستگی اقتصادی به آمریکا سخن می‌گوید.



هادی هدایت زاده

روزنامه‌نگار

تنش تجاری میان دو همسایه آمریکای شمالی دیگر صرفاً به افزایش تعرفه‌ها محدود نیست. آمریکا اعلام کرده است که از ۲۹ سپتامبر واردات طیف گسترده‌ای از محصولات کانادایی، را ممنوع خواهد کرد. این تصمیم پس از آن اتخاذ شد که کانادا از سه‌شنبه ۱۷ شهریور تعرفه‌های تلافی‌جویانه خود را بر حدود ۲۰ میلیارد دلار از کالاهای آمریکایی به اجرا گذاشت. تعرفه‌های کانادا بسته به نوع کالا بین ۱۵ تا ۵۰ درصد تعیین شده و محصولاتمانند فولاد، میلان، پوشاک، لوازم الکترونیکی و تجهیزات صنعتی مختلف را هدف قرار داده است. به این ترتیب، روندی که با تهدیدهای تعرفه‌ای آغاز شده بود، اکنون به وضع محدودیت‌های مستقیم پرواردات رسیده است؛ اقدامی که نشان می‌دهد اختلاف واشنگتن و اتاوا از یک چانه‌زنی معمول تجاری فراتر رفته و به آزمونی برای آینده روابط اقتصادی دو کشور تبدیل شده است.

کارنی: هر توافقی را نمی‌پذیریم

نقطه عطف این بحران، شکست مذاکرات تجاری دو کشور در او‌ا‌خراوت بود. کانادا در شرایطی از ادامه مذاکرات کنار کشید که به گفته مارک کارنی نخست‌وزیر کانادا، واشنگتن در آخرین مراحل گفت‌وگوها خواسته‌هایی را مطرح کرده بود که فراتر از چارچوب یک توافق تجاری معمول بود. کارنی تأکید کرد که کانادا حاضر نیست برای دسترسی به بازار آمریکا، امتیازاتی را بپذیرد که استقلال اقتصادی و سیاسی این کشور را محدود کند. او رویکرد واشنگتن را اعمال فشار و باج‌خواهی اقتصادی توصیف کرده و گفته است آمریکا تلاش می‌کند از قدرت اقتصادی خود برای امتیازگیری از کانادا بهره‌برد. گزارش‌ها نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین نقاط اختلاف، درخواست‌های واشنگتن درباره نحوه تعامل کانادا با سایر کشورها و تضمین‌های مورد نظر آمریکا در زمینه تعرفه‌ها بوده است. کارنی در واکنش به فشارهای آمریکا از میز مذاکره عقب نشست، بلکه اعلام کرد کانادا حاضر نیست هر توافقی را صرفاً برای پایان دادن به تعرفه‌ها بپذیرد. او همچنین تأکید کرد که کانادا همچنان آماده دستیابی به توافق با آمریکاست، اما این توافق باید پایدار، معتبر و متقابل باشد؛ به گونه‌ای که واشنگتن نتواند پس از امضا، به صورت یک جانبه سطح تعرفه‌ها را تغییر دهد. اهمیت موضع کارنی در این است که کانادا

با وجود وابستگی شدید تجاری به آمریکا، تصمیم گرفته هزینه مقاومت را بپذیرد. بیش از دوسوم صادرات کانادا راهی بازار آمریکا می‌شود و جایگزین کردن چنین بازاری در کوتاه‌مدت آسان نیست. به همین دلیل، رویارویی با واشنگتن برای اقتصاد کانادا بدون هزینه نخواهد بود. اما راه‌برد اتاوا این است که هزینه کوتاه‌مدت مقاومت را برای جلوگیری از هزینه‌های بلندمدت وابستگی به یک شریک تجاری غیرقابل پیش‌بینی به جان بخرد. کارنی از همین منظر در تلاش است مسیر اقتصاد کانادا را تغییر دهد: کاهش آسیب‌پذیری در برابر آمریکا، توسعه بازارهای جدید و گسترش روابط تجاری با اروپا و آسیا. او پیش از تشدید اخیر بحران نیز هشدار داده بود که قدرت‌های بزرگ نباید از وابستگی اقتصادی به عنوان ابزار فشار سیاسی استفاده کنند؛ اکنون کانادا به یکی از نخستین آزمون‌های جدی این رویکرد تبدیل شده است.

حمایت افکار عمومی کانادا از موضع دولت

یکی از مهم‌ترین برگ‌های برنده کارنی، حمایت بخش درخوردوجهی از جامعه کانادا از موضع سرسختانه دولت در برابر ترامپ است. فشارهای ترامپ، اظهارات او درباره تبدیل کانادا به ایالت پنجاهویکم آمریکا و افزایش بی‌درپی تعرفه‌ها، در عمل به تقویت احساسات ملی در کانادا انجامیده است. در ماه‌های اخیر، پویش‌های تحریم کالاهای آمریکایی و کاهش سفر به این کشور نیز در میان شهروندان کانادایی گسترش یافته است. حتی احزاب و سیاستمداران مخالف دولت نیز در بخش‌هایی از این بحران، هم‌راستا با اتاوا موضع‌گیری کرده‌اند. در واقع، کارنی توانسته است اختلافات داخلی را تا حدی ذیل یک مطالبه مشترک گرد هم آورد: کانادا نباید در برابر فشارهای اقتصادی آمریکا تسلیم شود. نظرسنجی‌های اخیر نیز بازتاب‌دهنده همین فضای سیاسی است. براساس نظرسنجی مؤسسه «آنگوس رید» در اوایل سپتامبر، میزان رضایت از عملکرد کارنی به ۶۲ درصد رسیده است که رشدی ۱۱ درصدی را نسبت به مردادماه نشان می‌دهد. این پشتوانه مردمی برای دولت کارنی اهمیت حیاتی دارد، زیرا تداوم مقاومت در برابر آمریکا ناگزیر هزینه‌هایی را برای مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارهای کانادایی در پی خواهد داشت.

ترامپ از فشار افکار عمومی در امان نیست

پیامدهای سیاسی این جنگ تجاری در آمریکا وضعیتی کاملاً معکوس دارد. ترامپ در شرایطی وارد این رویارویی شده که

نض بازار

کابوس ۱۰۰ دلاری ترامپ؛ بازی باذخایر به خط پایان رسید؟

بازار جهانی نفت بار دیگر وارد محدوده‌ای شده که می‌تواند معادلات اقتصاد جهانی را درگون کند. قیمت نفت برنت دیروز نسبت به روز پیش از آن (سه‌شنبه هفته جاری)، با ۲۰٫۷۴ دلار (۲۰٫۸ درصد) افزایش، از مرز ۱۰۰ دلار گذشت و تا آستانه ۱۰۱ دلار در هربشکه بالا رفت. قیمت نفت نسبت به چهارشنبه هفته گذشته نیز نزدیک به ۵٫۳۳ دلار (۵٫۶ درصد) افزایش یافته است. این جهش در شرایطی رخ داده که امیدها به عادی‌شدن تردد نفتکش‌ها در منطقه خلیج فارس کاهش یافته و اختلال شدید در عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز، در کنار حملات نیروهای یمن به تأسیسات و مسیرهای انرژی عربستان، نگرانی‌ها درباره آینده عرضه نفت را دوچندان کرده است. داده‌های شرکت کیپلر نشان می‌دهد که تردد کشتی‌های حامل کالا از تنگه هرمز نسبت به دوران پیش از جنگ حدود ۹۵ درصد کاهش یافته است. در شرایط عادی روزانه نزدیک به ۱۲۰ کشتی از این آبراه عبور می‌کردند، اما در یکی از آخرین روزهای بررسی‌شده، تنها ۶ کشتی از این تنگه گذشته‌اند. از سوی دیگر، بسته‌ماندن تنگه هرمز به عنوان مسیر اصلی صادرات نفت عربستان سعودی در کنار ناام‌شدن دریای سرخ، گزینه‌های ریاض برای صادرات نفت را محدود کرده است. تولید نفت عربستان در ماه اوت حدود ۱۰٫۱۲ میلیون بشکه در روز کاهش یافته و صادرات بندر «بنبع» نیز از حدود ۴٫۵ تا ۵ میلیون بشکه، به ۲٫۲ میلیون بشکه در روز سقوط کرده است.

نفت ایران در مرز ۱۰۰ دلار

افزایش بهای جهانی نفت، ارزش محموله‌های نفت خام ایران را نیز بالا برده است. قیمت اغلب گریدهای نفت ایران بیش از سه دلار در هربشکه رشد کرده و در برخی بازارها به محدوده ۹۵ تا ۹۷ دلار رسیده است. نفت سبک ایران در شمال غرب اروپا حدود ۹۵٫۹۵ دلار و نفت سنگین ۹۴٫۰۷ دلار معامله شده است. در بازار مدیترانه نیز نرخ نفت سبک ایران به ۹۵٫۳۲ دلار رسیده و بالاترین رقم ثبت‌شده مربوط به نفت سبک ایران در منطقه «سیدی کریر» مصر با ۹۷٫۲۲ دلار در هربشکه بوده است. هم‌زمان با این جهش قیمتی، ذخایر استراتژیک نفت آمریکا به حدود ۲۸۵٫۴ میلیون بشکه رسیده است؛ سطحی که طی چهار دهه گذشته کم‌سابقه بوده و به کف عملیاتی ۲۷۰ میلیون بشکه بسیار نزدیک است. این افت در حالی رخ داده که دونالد ترامپ برای مهار بازار، از ابتدای جنگ رمضان بیش از ۱۳۰ میلیون بشکه از این ذخایر را برداشت کرده است. اما ادامه برداشت از این ذخایر به معنای کاهش توان آمریکا برای مقابله با شوک‌های بعدی است.

عبور بهای نفت برنت از مرز ۱۰۰ دلار، برای دولت دونالد ترامپ صرفاً یک تحول در بازار انرژی نیست، بلکه ریسکی بزرگ در ابعاد اقتصادی و سیاسی است. نفت‌گران تورم آمریکا را مجدداً تشدید کرده و کار فدرال رزرو را برای کاهش نرخ بهره دشوارتر می‌کند. نفت ۱۰۰ دلاری تنها به معنای بنزین گران‌تر نیست؛ این قیمت موج جدیدی از تورم را در اقتصاد آمریکا ایجاد خواهد کرد. در واقع، نفت ۱۰۰ دلاری از دو مسیر به اقتصاد آمریکا ضربه می‌زند؛ ابتدا هزینه سوخت خانوارها را افزایش می‌دهد و سپس از طریق حمل‌ونقل و تولید، قیمت سایر کالاها را بالا می‌برد. اکنون فشار این بحران مستقیماً به مصرف‌کنندگان آمریکایی وارد شده و بهای بنزین به دوباره به ۴۰٫۱۵ دلار و گازوئیل به حدود ۵٫۹۰ دلار در هر گالن رسیده است. گزارش دانشگاه براون آمریکا نشان می‌دهد که از زمان آغاز تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران، خانوارهای آمریکایی بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه اضافی فقط برای سوخت پرداخت کرده‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که به طور میانگین هر خانواده در این ۶ ماه گذشته ۷۶۳ دلار بیشتر از قبل بابت سوخت هزینه کرده است.

درس بزرگ کانادا

اگرچه کانادا از منظر

حجم اقتصادی

طرف کوچک‌تر

این مناقشه به

شمار می‌آید، اما

در عرصه سیاسی

هیچ نشانه‌ای از

عقب‌نشینی در

مواضع اتاوا دیده

نمی‌شود. حمایت

گسترده داخلی به

کارنی این امکان

را داده تا هزینه

ایستادگی را بپذیرد

و هم‌زمان به دنبال

بازارهای جایگزین

بین‌المللی باشد.

در سوی مقابل،

دونالد ترامپ

به خوبی آگاه است

که اگر تعرفه‌ها به

افزایش هزینه‌های

معیشتی و زیان

تولیدکنندگان

داخلی منجر شود،

این سیاست درست

در برهه‌ای که

جمهوری خواهان

در پی تثبیت

موقعیت خود در

کنگره هستند، به

چالشی بزرگ در

کارزار انتخاباتی

تبدیل خواهد شد.

بدین ترتیب، جنگ

تجاری کنونی میان

واشنگتن و اتاوا از

یک مناقشه صرف

بر سر تعرفه‌ها فراتر

رفته و به آزمونی

تمام‌عیار برای

تاب‌آوری کانادا در

برابر فشارهای یک

ابر قدرت اقتصادی

بدل شده است.

بین الملل

تصویب قطعنامه ضدایرانی در شورای حکام؛ وقت خروج از NPT رسید؟



شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با تصویب قطعنامه پیشنهادی آمریکا و سه کشور اروپایی علیه ایران، بار دیگر نشان داد که این نهاد به جای ایفای نقش یک سازمان فنی، ابزار سیاسی کاخ سفید برای فشار بر جمهوری اسلامی ایران است. قطعنامه با ۲۳ رأی موافق، ۸ رأی ممتنع و تنها ۳ رأی مخالف تصویب شد؛ قطعنامه‌ای که در آن، همکاری‌های ایران با آژانس نادیده گرفته شده اما حملات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران، که تحت پادمان آژانس قرار داشتند، عملاً به حاشیه رانده شده است.

واشنگتن پس از آنکه نتوانست با جنگ و فشار نظامی اراده ملت ایران را در هم بشکند، بار دیگر سراغ ابزارهای سیاسی و حقوقی رفته است. آمریکا می‌خواهد آژانس را به سکویی برای فشار بیشتر و شورای امنیت را به ایستگاه بعدی پرونده‌سازی علیه ایران تبدیل کند. اما این بازی یک هزینه جدی برای خود غرب دارد. وقتی تأسیسات هسته‌ای یک کشور عضو NPT هدف حمله قرار می‌گیرد و نهاد ناظر به جای محکوم کردن متجاوز، علیه قربانی قطعنامه صادر می‌کند، اعتماد به کل سازوکار پادمانی و حتی فلسفه عضویت در چنین نظامی زیر سؤال می‌رود. به نظر می‌رسد دیگر زمان تعارف نیست. ایران باید سطح همکاری با آژانس را به‌طور جدی بازنگری کند و گزینه‌های راهبردی، از جمله خروج از NPT، را روی میز تصمیم‌گیری قرار دهد.

در گفت‌وگوی محمد صادق کوشکی استاد دانشگاه تهران با روزنامه نو بنیاد مطرح شد

خروج از بن بست با دفاع تهاجمی

در پی تشدید درگیری‌های اخیر میان ایران و آمریکا و تغییر محسوس در الگوی پاسخ نیروهای مسلح کشور، موضوع «ده در برابر یک» به عنوان یکی از رویکردهای مطرح در محافل تحلیلی مورد توجه قرار گرفته است؛ رویکردی که بر اساس آن، در برابر هدف قرار گرفتن یک نفتکش ایرانی، پاسخ‌ها به صورت گسترده‌تر و متنوع‌تر، از جمله علیه نفتکش‌های مرتبط با آمریکا و مواضع و پایگاه‌های نظامی این کشور در منطقه، دنبال می‌شود تا ابتکار عمل بدست ایران بیافتد. در همین راستا و برای بررسی ابعاد نظامی و راهبردی این تحولات، گفت‌وگویی با محمدصادق کوشکی، عضو هیأت علمی علوم سیاسی دانشگاه تهران و کارشناس مسائل غرب آسیا انجام داده‌ایم. وی معتقد است باید الگوی تهاجمی حملات روزهای اخیر را زودتر آغاز می‌کردیم. متن این مصاحبه به شرح ذیل است:

طرفین کلاً از انجام معامله خودداری کند. در این صورت، طرف دوم چه معنایی دارد؟ وفاداری او به معامله چه معنایی خواهد داشت؟ معامله یک طرفه که شدنی نیست. تفاهم هم یک حرکت حقوقی مبتنی بر دو طرف است. وقتی یکی از طرفین، به هر دلیلی، کنار می‌کشد، عملاً پایبندی یک طرفه به تفاهم، یک حرکت به شدت غیرعقلایی است و معنایی ندارد.

سوال: راه‌حلی که برای ایران، در شرایط فعلی و برای پایان جنگ در نظر می‌گیرید چیست؟

به نظر من ادامه دفاع تهاجمی، به همان الگویی که ما شب‌های گذشته شاهد آن بودیم.

حمله تهاجمی، اولاً ماهیتش دفاعی است و ثانیاً شیوه‌اش تهاجمی است. یعنی در این الگوی دفاع، دیگر طرف مدافع منتظر ضربه دشمن نمی‌ماند، بلکه سعی می‌کند با ضربات متعدد، طرف متجاوز را تئیه کند و او را وادار به عقب‌نشینی کند.

تنها روشی که از ابتدا باید اتخاذ می‌شد، همین شیوه بود. اگر این شیوه‌ای که شب گذشته شاهد آن بودیم، در طول جنگ ۳۹ روزه و پس از آن اتفاق می‌افتاد، واقعاً شاید الان جنگ به نفع ما خاتمه پیدا کرده بود و ما اکنون، بدون هیچ دغدغه‌ای، شاهد خروج آمریکا از منطقه بودیم و می‌توانستیم به آغاز بازسازی فکر کنیم.

قابل افزایشی افزایش پیدا کند. حتی می‌توانیم بگوییم اگر ما از ابتدای نبرد این گونه رفتار می‌کردیم، شاید امروز دیگر پرونده جنگ با اخراج آمریکا از منطقه بسته شده بود. اما همین الان هم این موضوع را به فال نیک می‌گیریم و امیدواریم رزمندگان اسلام با قدرت همین مسیر را ادامه دهند؛ چون تنها راه خروج از بن بست، ادامه همین الگوی دفاع تهاجمی است.

سوال: برخی همچنان می‌گویند که ما به تفاهم نامه پایبند هستیم و بر کارآمدی آن تأکید می‌کنند. آیا اساساً این تفاهم‌نامه مجدداً قابلیت احیا شدن دارد و آیا آمریکا می‌تواند به آن بازگردد؟

همه عقود و قراردادهایی که دوجانبه هستند، در صورت عقب‌نشینی طرفین، عملاً ماهیت وجودی‌شان از بین می‌رود. این گونه نیست که اگر حتی یک طرف بخواهد تا قیامت هم وفادار باشد، این امکان وجود داشته باشد؛ چون یک توافق یا تفاهم، دو طرف دارد.

بعد از اینکه یک طرف رسماً اعلام می‌کند که دیگر این تفاهم را قبول ندارد و این تفاهم از نظر او مرده است، اینکه طرف مقابل بخواهد به چیزی که وجود ندارد وفادار بماند، یک عمل غیرعقلایی است و اصلاً از لحاظ حقوقی هم مفهومی ندارد. مثل این است که یک خریدار و یک فروشنده وجود داشته باشند و یکی از



احسان میرزایی

روزنامه‌نگار

سوال: طی روزهای گذشته شاهد حملات ایران به ناوهای آمریکایی و حملات گسترده به پایگاه‌ها و نفتکش‌های مرتبط با آمریکا بودیم. علاوه بر آن، پایگاه‌های آمریکایی در اردن نیز زیر ضرب قرار گرفتند. این اقدام ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید.

در مقابله با دشمنی مثل آمریکا، تنها روش و فرمولی که برای بازدارندگی پاسخ می‌دهد، همین فرمول «ده در برابر یک» است. آن هم با گستره پاسخ متنوع. یعنی هم شناورهایی با مالکیت آمریکایی هدف قرار بگیرند، هم شناورهایی در بنادر کشورهای متحد آمریکا و هم پایگاه‌های آمریکا. این پاسخ متنوع، گسترده و پر حجم، بر اساس شناختی که از ارتش آمریکا، ساختار سیاسی این کشور و نسبت متحدین آمریکا با ایالات متحده وجود دارد، به نظر می‌رسد بازدارنده‌ترین و مؤثرترین روش برای این است که آمریکا، ساختار سیاسی این کشور و نسبت متحدین آمریکا با ایالات متحده وجود دارد، به نظر می‌رسد بازدارنده‌ترین و مؤثرترین روش برای این است که

آمریکا، ساختار سیاسی این کشور و نسبت متحدین آمریکا با ایالات متحده وجود دارد، به نظر می‌رسد بازدارنده‌ترین و مؤثرترین روش برای این است که آمریکا، ساختار سیاسی این کشور و نسبت متحدین آمریکا با ایالات متحده وجود دارد، به نظر می‌رسد بازدارنده‌ترین و مؤثرترین روش برای این است که

فرمول قطعی برای مهار آمریکا

در مقابله با دشمنی مثل آمریکا، تنها روش و فرمولی که برای بازدارندگی پاسخ می‌دهد، همین فرمول «ده در برابر یک» است. آن هم با گستره پاسخ متنوع. یعنی هم شناورهایی با مالکیت آمریکایی هدف قرار بگیرند، هم شناورهایی در بنادر کشورهای متحد آمریکا و هم پایگاه‌های آمریکا. این پاسخ متنوع، گسترده و پر حجم، بر اساس شناختی که از ارتش آمریکا، ساختار سیاسی این کشور و نسبت متحدین آمریکا با ایالات متحده وجود دارد، به نظر می‌رسد بازدارنده‌ترین و مؤثرترین روش برای این است که آمریکا، ساختار سیاسی این کشور و نسبت متحدین آمریکا با ایالات متحده وجود دارد، به نظر می‌رسد بازدارنده‌ترین و مؤثرترین روش برای این است که

یادداشت

توهم فروپاشی با عده‌سازی اقتصادی

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

فارن‌افرز در گزارشی به یک واقعیت اعتراف کرده است که سال‌هاست جمهوری اسلامی ایران در میدان عمل آن را به واشنگتن فهمانده است. ایران با تحریم و فشار اقتصادی خفه‌شدنی نیست. این اعتراف زمانی مهم‌تر می‌شود که بدانیم آمریکا طی سال‌های گذشته بارها از فشار حداکثری، تحریم فلج‌کننده و حالا حمله اقتصادی سخن گفته، اما هر بار پس از مدتی، به جای فروپاشی ایران، با کشوری مواجه شده که سازوکارهای جدیدی برای دور زدن فشارها پیدا کرده است. گزارش فارن‌افرز البته منکر آثار سنگین تحریم‌ها بر اقتصاد ایران نیست. اما مسئله اساسی اینجاست که کاخ سفید دچار یک خطای راهبردی شده است. تصور می‌کند هرچه شاخص‌های اقتصادی بدتر شود، فاصله ایران تا تسلیم نیز کمتر خواهد شد. حال آنکه اقتصاد ایران طی سال‌ها تحریم، به اقتصادی «تحریم‌زیسته» تبدیل شده است؛ اقتصادی که بنگاه‌ها، خانوارها و حتی ساختارهای حکمرانی آن، شیوه مواجهه با محدودیت‌های خارجی را آموخته‌اند.

یکی از نکات مهم گزارش این است که صنایع غیرنفتی ایران توانسته‌اند خود را با شرایط تحریم تطبیق دهند. کاهش ارزش پول ملی اگرچه فشار سنگینی بر مردم وارد کرده، اما همزمان در برخی حوزه‌ها موجب افزایش رقابت‌پذیری کالاهای ایرانی در بازارهای منطقه‌ای شده است. شرکت‌ها نیز با ایجاد ذخایر کالا و مواد اولیه، خود را در برابر اختلالات زنجیره تأمین بیمه کرده‌اند. صادرات نفت به چین نیز با استفاده از شبکه‌های پیچیده تجاری و مالی ادامه یافته است.

این یعنی همان تحریمی که قرار بود اقتصاد ایران را از کار ببنداند، در عمل تهران را به سمت اقتصاد مقاوم، مسیرهای تجاری جایگزین و کاهش وابستگی به غرب سوق داده است. شاید مهم‌ترین جمله گزارش همین باشد که آمریکا برای پیروزی در جنگ اقتصادی باید عملاً با میلیون‌ها خانوار و صدها هزار بنگاه اقتصادی درگیر شود. این همان نقطه‌ای است که محاسبات اتاق‌های فکر واشنگتن به بن بست می‌رسد.

مردم ایران طی دهه‌ها فشار خارجی آموخته‌اند چگونه در شرایط دشوار زندگی و اقتصاد را اداره کنند. این به معنای بی‌اثر بودن فشار اقتصادی نیست بلکه به این معناست که فشار اقتصادی الزاماً به نتیجه سیاسی مورد نظر آمریکا منجر نمی‌شود.

امروز مسئله اصلی برای واشنگتن این نیست که آیا می‌تواند به اقتصاد ایران آسیب بزند یا نه. مسئله این است که آیا این آسیب می‌تواند ایران را به تسلیم وادار کند؟ پاسخ حتی در گزارش رسانه‌ای مانند فارن‌افرز نیز روشن است.

آمریکا سال‌هاست نسخه «خفه‌کردن ایران» را روی میز گذاشته است اما ایران نه تنها زنده مانده، بلکه هر بار بخشی از وابستگی‌های خود به نظام سلطه را نیز قطع کرده است.

یادداشت

دومین شکار؛

هدیه‌ای الهی برای ایران

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

پانزده سال پس از شکار پهپاد فوق پیشرفته RQ-۱۷۰، خبر به دام افتادن یک زیرسطحی هوشمند آمریکایی در ورودی تنگه هرمز را باید فراتر از یک موفقیت عملیاتی دید. این شکار دومین هدیه الهی خداوند به نیروهای مسلح ایران در ازای نبرد با جنایتکارترین شیاطین جهان بود. این غنیمت می‌تواند فرصتی کم‌نظیر برای شناخت بخشی از فناوری‌های نوین زیرسطحی آمریکا باشد؛ فرصتی که در استخراج دانش و تبدیل آن به توانمندی بومی است.

عصر سه‌شنبه، نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از «شکار یک فروند زیرسطحی هوشمند دشمن آمریکایی در تنگه هرمز» خبر داد؛ سامانه‌ای بدون سرنشین که بنا بر اعلام سپاه، از فناوری‌های جدید حوزه زیرسطحی برخوردار بوده و در سحرگاه همان روز، در نتیجه یک عملیات پیچیده اشراف اطلاعاتی و عملیاتی به دام افتاده است.

این سامانه پیشرفته که کمتر از یک سال از پیوستن آن به سازمان رزم آمریکا می‌گذرد، از نوع Dive-LD ساخت شرکت Anduril است؛ یک وسیله زیرسطحی بدون سرنشین در رده LDUUV که برای مأموریت‌هایی نظیر شناسایی، پایش محیط زیرسطحی، مقابله با مین، جنگ ضد زیردریایی و نقشه‌برداری از کف دریا طراحی شده است. گزارش‌ها درباره قابلیت ماندگاری طولانی مدت و فعالیت در اعماق زیاد نیز اهمیت این شکار را دوچندان می‌کند.

اما نقطه اصلی ماجرا جایی دیگر است. این زیرسطحی نباید صرفاً یک غنیمت جنگی تلقی شود؛ باید یک آزمایشگاه شناور فناوری تلقی شود. تجربه RQ-۱۷۰ دقیقاً همین درس را پیش روی ایران گذاشت. آن پرنده آمریکایی پس از شکار، از یک ابزار اطلاعاتی دشمن به فرصتی برای شناخت فناوری، مهندسی معکوس و ارتقای توانمندی‌های داخلی پهپادی ایران تبدیل شد. اگر زیرسطحی جدید نیز واجد فناوری‌های پیشرفته باشد، نخستین اولویت باید استخراج حداکثری دانش فنی، نرم‌افزاری، ارتباطی، حسگری و طراحی آن باشد.

در گام دوم، این غنیمت می‌تواند بخشی از دیپلماسی فناوریانه ایران با شرکای راهبردی و معاملات نظامی با آنان باشد. چین و روسیه هر دو در حوزه سامانه‌های زیرسطحی، بدون سرنشین و جنگ الکترونیک ظرفیت‌های قابل توجهی دارند. در صورت امکان و با رعایت ملاحظات امنیتی، اشتراک‌گذاری کنترل‌شده برخی یافته‌ها می‌تواند به همکاری‌های متقابل و حتی دستیابی ایران به فناوری‌ها و تسلیحات پیشرفته‌تر روسیه و چین منجر شود. از سوی دیگر، روایت مقام آمریکایی که مدعی شده این زیرسطحی «قدیمی» بوده و تجهیزات حساس یا سامانه‌های پیشرفته شناسایی حمل نمی‌کرده، بیش از آنکه توضیح فنی باشد، شبیه تلاش برای کاهش ارزش رسانه‌ای و اطلاعاتی این شکار است.

RQ-۱۷۰ یک بار آمریکا را وادار کرد درباره نفوذ اطلاعاتی ایران توضیح بدهد؛ این شکار نیز می‌تواند فرصتی تازه برای ایران باشد تا به جای خیره‌شدن به محصول نهایی، سراغ مغز فناوری آن برود. هدیه مهم‌تر از خود شکار، دانشی است که از دل آن بیرون کشیده می‌شود.

یک شب؛ چند پیام راهبردی

آنچه در این ۲۴ ساعت رخ داد، صرفاً مجموعه‌ای از حملات متقابل نیست؛ بلکه نشانه تغییر تدریجی الگوی مواجهه است. از شکار یک زیرسطحی هوشمند آمریکایی در ورودی هرمز تا حمله به نفتکش‌های متخلف و سپس شلیک موج سنگین موشک‌های بالستیک به پایگاه‌های آمریکا و حتی حمله به سمت ناوهای آمریکایی. همه این موارد نشان می‌دهد اراده شورایی امنیت در دوره جدید بر آغاز کارزاری گسترده برای شکست محاصره است؛ ایده‌ای که درست در مقابل منطق مماشات‌جویانه حامیان تفاهم شکست‌خورده اسلام‌آباد قرار دارد.

حملات خیره‌کننده ایران به مواضع دشمن آمریکایی نشان می‌دهد دبیر جدید شعام در تغییر دست فرمان جنگ موفق بوده است

شب تغییر قواعد بازی

و هم ایران در پاسخ، یکی از سنگین‌ترین موج‌های موشکی خود را علیه مواضع آمریکا در منطقه اجرا کرد و کشتی‌ها و نفتکش‌های متخلف را به آتش کشید؛ رخدادی که پیام‌های مهمی برای سیاست خارجی و محاسبات بازدارندگی دارد.



محسن عیوضی

روزنامه‌نگار

درباره یک موج حمله اعلام‌نشده ایران به کشتی‌های نیروی دریایی آمریکا در شمال دریای عرب نیز حائز اهمیت است. این گزارش مدعی شده ایران روز دوشنبه به کشتی‌های نیروی دریایی آمریکا حمله کرده؛ حمله‌ای که در آن زمان از سوی ارتش آمریکا تأیید نشده بود. همین گزارش از نگرانی مقام‌های آمریکایی درباره استفاده ایران از سلاح‌های پیشرفته‌تر و احتمال دریافت کمک فناوریانه از چین یا روسیه خبر داده است.

در بخش دیگری از تحولات، سپاه اعلام کرد در پاسخ به حمله آمریکا به پنج نفتکش ایرانی، دو شناور آمریکایی و هشت نفتکش را در منطقه هدف قرار داده و همچنین ۱۰ کشتی متخلفی که قصد عبور از منطقه ممنوعه و ناایمن تنگه هرمز را داشتند، برخورد کرده است. همچنین سپاه از حمله موشکی به ناوشکن‌های آمریکایی دلبرت بلک و جان پال جونز خبر داده است و روز چهارشنبه رسانه‌ها از هدف قرار گرفتن یک نفتکش آمریکایی در بصره خبر داد. تمام این تحولات این نتیجه مهم را برای دستگاه سیاست خارجی دارد که نباید اجازه داد آمریکا سطح درگیری را تعیین کند و ایران صرفاً در باره نحوه پاسخ تصمیم بگیرد. اگر واشنگتن نفتکش را هدف می‌گیرد، اگر از پایگاه‌های منطقه‌ای علیه ایران استفاده می‌کند و اگر فشار اقتصادی را با اقدام نظامی پیوند می‌زند، تهران نیز باید هزینه‌های راهبردی این سیاست را برای آمریکا افزایش دهد.

آنچه در ۲۴ ساعت گذشته رخ داد، نشان داد ابزارهای فشار آمریکا هرچقدر هم متنوع باشند، در برابر پاسخ متقابل، بدون هزینه نیستند. اکنون مسئله اصلی سیاست خارجی این است که این واقعیت میدانی را به یک دکترین روشن بازدارندگی تبدیل کند؛ دکترینی که در آن حمله به نفت ایران، پایگاه‌های مهاجم و زیرساخت‌های پشتیبان حمله را وارد محاسبه کند و اجازه ندهد واشنگتن تصور کند می‌تواند جنگ را یک طرفه مدیریت کند. نفت اکنون در سایه تنش‌های روزهای اخیر به ۱۰۱ دلار رسیده است.

فایده واشنگتن را تغییر دهد. در همین چارچوب، پس از حملات آمریکا به نفتکش‌های ایرانی، ایران یکی از بزرگ‌ترین موج‌های موشکی خود را حتی در مقایسه با مقاطع جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه علیه مواضع آمریکا در منطقه اجرا کرد. نکته ویژه آن نشان دادن فعال بودن تمام پایگاه‌های موشکی کشور پس از بمباران‌های سنگین آمریکا و اسرائیل بود. تصاویر منتشرشده از شلیک انبوه موشک‌های سوخت جامد خیبرشکن و موشک‌های سوخت مایع خانواده قدر و عماد، از جمله برخی موشک‌ها با سرچنگی خوشه‌ای، نشان‌دهنده تغییر سطح حمله بود. طبق اعلام سپاه، پایگاه هوایی موفق السلطی در منطقه الازرق اردن نیز هدف قرار گرفت و آشیانه تعمیر و نگهداری، آماده‌سازی و محل استقرار جنگنده‌های F-۱5، F-۱6 و F-35 و شلیک‌های جنگنده‌ها مورد اصابت قرار گرفت. گمانه‌زنی‌ها همچنین حاکی از حملات به پایگاه‌های آمریکایی در عقبه و در مرز اردن و فلسطین اشغالی است. نکته قابل توجه، فعال شدن گسترده شبکه پدافندی آمریکا بود. به‌کارگیری تعداد قابل توجهی رهگیر تاد و پاتریوت نشان می‌دهد واشنگتن ناچار شده برای حفاظت از زیرساخت‌های مهم خود که از سرتاسر خاورمیانه به اردن منتقل شده، هزینه دفاعی قابل توجهی متحمل شود. با این حال، طبق گزارش‌های منتشرشده، شماری از موشک‌های ایرانی از این لایه دفاعی عبور کرده و به اهداف خود اصابت کردند.

اردن؛ یک نقطه مهم در محاسبه آمریکا

فعال شدن سامانه‌های آمریکایی در اردن نیز از منظر راهبردی قابل توجه است. این اتفاق بار دیگر اهمیت زیرساخت‌های نظامی آمریکا در کشورهای منطقه را برجسته می‌کند. اگر واشنگتن از خاک و پایگاه‌های کشورهای منطقه برای عملیات علیه ایران استفاده کند، طبیعی است که این پایگاه‌ها دیگر نمی‌توانند در محاسبات تهران صرفاً «تأسیسات کشور میزبان» تلقی شوند.

از سوی دیگر، گزارش وال استریت ژورنال

شامگاه سه‌شنبه تا صبح چهارشنبه را نمی‌توان یک شب معمولی در جنگ ایران و آمریکا تلقی کرد. در این بازه، چند اتفاق مهم به صورت زنجیره‌ای رخ داد که کنار هم گذاشتن آنها تصویری متفاوت از معادله نبرد ارائه می‌کند؛ تصویری که در آن، ابتکار عمل صرفاً در اختیار طرف آمریکایی نیست و تهران نیز در حال آزمودن سطوح جدیدی از پاسخ و فشار است.

یکی از مهم‌ترین تحولات، اعلام سپاه درباره شکار یک زیرسطحی هوشمند و بدون سرنشین آمریکایی در ورودی تنگه هرمز بود. نیروی دریایی سپاه اعلام کرد این سامانه در یک عملیات پیچیده اشراف اطلاعاتی و عملیاتی به دام افتاده است.

نفتکش‌ها؛ جایی که پاسخ باید تغییر کند

ساعاتی بعد، جنگ نفتکش‌ها وارد مرحله‌ای تازه شد. مقام‌های آمریکایی ایران را به هدف قرار دادن کشتی‌های جنگی آمریکایی متهم کردند و متعاقب آن، گزارش‌هایی درباره حمله به نفتکش‌های ایرانی منتشر شد.

سنتکام اعلام کرد در هشتم سپتامبر پنج نفتکش ایرانی را هدف قرار داده است. استمرای جنگ نفتکش‌ها از سوی آمریکا این نکته را برجسته تر ساخت که سیاست خارجی باید از سطح واکنش‌های مقطعی عبور کند. اگر آمریکا رسماً یا عملاً راهبردی را دنبال کند که هدف آن ضربه به شریان نفتی ایران و افزایش هزینه صادرات باشد، پاسخ تهران نمی‌تواند صرفاً در قالب بیانیه باقی بماند.

از نفتکش تا پایگاه؛ معادله باید عوض شود

اگر نفتکش ایرانی هدف قرار می‌گیرد، پاسخ صرفاً به یک هدف کم‌ارزش محدود نمی‌تواند شود. نفتکش، بخشی از زیرساخت اقتصادی کشور است و ضربه به آن، مستقیماً بخشی از ظرفیت درآمدی ایران را هدف می‌گیرد. بنابراین پاسخ باید در سطحی باشد که محاسبه هزینه.

